

جستاری بر تجارب زیسته دانش‌آموزان از حدود حجاب اسلامی

فاطمه کریمی^۱ ♦ دکتر بهنام طالبی^۲

چکیده:

افزایش خودپنداره و تصور مثبت بانوان نسبت به حجاب از اولویت دارترین راهکارهایی هستند که برای درونی شدن ارزش حجاب استفاده می‌شوند. تقویت روحیه دینی برای پایبندی به ارزش‌های اجتماعی، ارتقای سطح شناخت و آگاهی بانوان نسبت به ارزشهای اصیل اسلامی و برخورد علمی با مقوله عفاف و حجاب در جامعه در ترویج فرهنگ عفاف مؤثر است. پژوهش حاضر می‌کوشد، ضمن واکاوی تجربه زیسته دانش‌آموزان، ادراک آنان را از حدود حجاب مورد بررسی قرار دهد. این پژوهش مبتنی بر رویکرد کیفی است که به روش پدیدارشناسی، با مطالعه ده نفر مشارکت‌کننده از میان دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر تبریز، با به‌کارگیری روش نمونه‌گیری هدفمند و از طریق دوازده مصاحبه فردی و یک مصاحبه گروهی نیمه‌ساختاریافته انجام شده است. برای بررسی تجربه دانش‌آموزان از مقوله حجاب، دانش‌آموزان پایه سوم دوره دوم متوسطه مورد توجه قرار گرفته‌اند. مصاحبه‌ها خارج از محیط مدرسه انجام گرفته است تا جو مدرسه درک آنان را درباره حجاب تحت تأثیر قرار ندهد. تحلیل داده‌ها براساس راهبرد هفت مرحله‌ای کلابزی صورت پذیرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که در تجربه زیسته دانش‌آموزان حدود حجاب فقط در پوشش خلاصه نمی‌شود؛ عفاف و حجاب در نگاه، گفتار، رفتار و پوشش مطرح است. همچنین از تجربه دانش‌آموزان مضامینی به‌دست آمد که عبارت‌اند از: برداشتهای متفاوت از حدود حجاب، تأثیر تجربه گذشته فرد در حدود حجاب، وابستگی حدود حجاب به محیط، حدود حجاب تابعی از زمان، تأثیر دنیای مجازی بر کم رنگ شدن حجاب، ضعف اعتقادی عامل نگاه مقطعی به حجاب.

کلیدواژگان: تجارب زیسته دانش‌آموزان، حدود حجاب اسلامی، ادراک

© تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۰۱

© تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۲۲

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران. ftmhkarimi@yahoo.com
۲. (نویسنده مسئول)، استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران. Btalebi@iau.ac.ir

لباس پوشیدن، شأنی از شئون انسان و پدیده‌ای است که تقریباً به‌اندازه طول تاریخ بشر، سابقه و به قدر پهنه جغرافیای زمین، گسترش دارد (حدادعادل، ۱۳۸۶). لباس تحت تأثیر فرهنگ و معرفت شخصیت افراد است (محمدی و قدسی، ۱۳۹۵). پوشش و حجاب به مثابه رسانه‌ای ارتباطی و به عنوان کنشی اجتماعی، از یک‌سو تحت تأثیر ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و از سوی دیگر متأثر از کنشگران زن و مرد در ابعاد مذهبی، منزلتی و شخصیتی است. ارتباطات نمادین، پایه و اساس تمامی کنشهای اجتماعی شناخته شده است (محسنیان‌راد، ۱۳۸۵). حجاب به عنوان ارتباط نمادین صرفاً به مقوله پوشش بدن تقلیل نمی‌یابد، بلکه شامل زبان بدن، مدیریت بدن و آرایش و پیرایش بدن و زبان اشیا در عرصه ارتباطات غیرکلامی نیز می‌شود که ممکن است در شرایط اجتماعی و فرهنگی دارای شکل و قالب متنوع با جوهر یکسان یا به‌عکس باشد. لذا به عنوان یک مسأله اجتماعی، ضروری است مورد شناخت علمی قرار گیرد (شارع‌پور، تقوی و محمدی، ۱۳۹۱). امروزه جوامع اسلامی در بحث حجاب، نیازمند نوعی گذار هستند؛ گذار از تقلید، عادت و تعبد از سر اکراه به مرحله آگاهی و معرفت (محمدی و قدسی، ۱۳۹۵)، چرا که تغییر نسل موجب تغییراتی در نوع نگرش آنها به مذهب شده است (احمدی، ۱۳۸۸). با تبیین صحیح ضرورت و نقش حجاب در اجتماع، زمینه‌های توسعه و ترویج آن با مشارکت همه مردم فراهم می‌شود (فضل‌الهی قمشی، ۱۳۹۱). اگر دانش‌آموزان با فواید و فلسفه وضع این قانون الهی از منظرهای مختلف دینی، عقلی، علمی و روانی آشنا شوند، حتی اگر مقید به رعایت کردن آن نباشند، احتمال تغییر رفتار در آینده برای آنها وجود دارد (کریمی، ۱۳۷۲). دریافت نگرش و گرایش دانش‌آموزان نسبت به لزوم رعایت یا عدم رعایت حجاب، کمک شایانی به برنامه‌ریزی جامع در مورد این پدیده خواهد کرد.

واژه حجاب در فرهنگ فارسی در سه معنا به کار رفته است: ۱. پرده و ستر؛ ۲. نقابی که زنان چهره خود بدان پوشانند (روبنده) و ۳. چادری که زنان سرتا پای خود را بدان پوشانند (معین، ۱۳۴۲). مراد از کلمه حجاب در مباحث مربوط به روابط زن و مرد به معنای آن چیزی است که مانع نگاه غیرمجاز می‌شود (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷). بنابراین حجاب در اصطلاح، پوششی است که اعضای بدن زن را به طور معمول بپوشاند و مطابق با دستورات دین اسلام باشد (فاضلیان، ۱۳۸۹). مراد از عفاف در پوشش تنها پوشیده بودن سر و گردن و ظاهر بدن نیست، بلکه متعارف بودن نوع، فرم، رنگ و اندازه پوشش است (کربلایی پازوکی و خوانین‌زاده، ۱۳۹۳). کسی که دارای حجاب است باید دارای ویژگیهایی باشد که عبارت‌اند از:

الف) عفاف و حجاب ذهن: نپرواندن ذهنیت گناه و معصیت در ذهن؛ **ب) عفاف و حجاب در نگاه:** از دستورات مؤکد اسلام رعایت نگاه است؛ **ج) عفاف و حجاب در گفتار:** برای زن جایز نیست صدای خود را به گونه‌ای جلوه دهد که موجب تحریک نامحرم شود؛ **د) عفاف و حجاب در ارتباطات:** اسلام هر

گونه ارتباط و برخورد حسی میان زن و مرد اجنبی را حرام کرده است؛ ه) عفاف و حجاب در رفتار و معاشرت: زن مسلمان علاوه بر پوشش ظاهری باید در نوع حرکات، برخوردها و حتی راه رفتن نیز زمینه سوءاستفاده افراد اجنبی را از میان ببرد؛ و) عفاف و حجاب در پوشش. در کل حجاب برای حفظ امنیت اخلاقی اجتماع و تکامل معنوی فرد به خصوص کرامت زن است تا در فعالیتهای اجتماعی حاضر شود (سلاجقه و موسی‌پور، ۱۳۹۰). بحث حجاب محدود به زمان خاص و معین نیست بلکه همواره باید به عنوان اصل اساسی، ارزشی و اسلامی در جامعه جاری و ماندگار باشد. رعایت حجاب و پوشش یک نیاز طبیعی و ذاتی برخاسته از فطرت انسانی است. اسلام زن را در سایه حجاب و سایر فضایل به صحنه می‌آورد تا معلم عاطفه، رقت، درمان، لطف، صفا و مانند آن شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶).

چنانکه قرآن درباره محدوده حجاب می‌فرماید: بر زنان در مورد پدران و پسران و برادران و پسران خواهران و زنان [همکیش] و بردگانشان گناهی نیست [که دیده شوند] و باید از خدا پروا بدارید که خدا همواره بر هر چیزی گواه است.^۱ ای پیامبر به زنان و دختران و به زنان مؤمنان بگو پوششهای خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیک‌تر است و خدا آمرزنده مهربان است.^۲ و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند، مگر آنچه طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند ... آیه‌ای که بر وجوب حجاب برای زنان در برابر نامحرمان دلالت صریح می‌کند: ای پیامبر، به همسران و دختران و زنان با ایمان بگو روسریهای بلند خود را بر خویش فرو افکنند.^۴

همچنین در روایات نیز بر این مهم تأکید شده است. چنانکه امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، میزان قوام و بقای شخصیت و احترام و امنیت زن را بسته به میزان حجاب می‌داند و می‌فرماید: به درستی که شدت حجاب برای حفظ آنان بهتر است (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱). امام صادق علیه السلام درباره چیزی که زن از زینتش می‌تواند آشکار کند، چهره و دو دست را بیان کرده‌اند (حر عاملی، ۱۳۵۴ ق).

پیشینه پژوهش

پیشینه حجاب به عنوان امری فطری، به خلقت اولین انسانها برمی‌گردد؛ قدر مسلم این است که پیش از اسلام نیز حجاب در میان برخی از ملل وجود داشته است (محمدی و قدسی، ۱۳۹۵). حجاب از اساسی‌ترین مسائل دینی است که اختصاص به دین اسلام ندارد و در تمام ادیان الهی از جمله زرتشتی، یهودی و مسیحیت، به لزوم رعایت آن تأکید شده است (محبوبی‌منش، ۱۳۸۶). در این حوزه پژوهشهای

۱. احزاب: ۵۵

۲. احزاب: ۵۹

۳. نور: ۳۱

۴. احزاب: ۵۲

گوناگون انجام شده است، برخی از پژوهشهای مرتبط با حوزه موضوعی حجاب عبارت‌اند از:

مهتا^۱ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای تأثیر عمیق رسانه‌های مدرن را روی زنان مسلمان دهلی طی ۳۰ سال مؤثر دانسته است. یافته‌های پژوهش نشان دهنده این واقعیت است که زنان مسلمان، مفروضات سنتی مصرف رسانه‌ای را کاملاً تغییر داده و سبک زندگی و الگوهای اندیشیده شده از خود را بازبینی کرده‌اند (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۹۱). بهویی و همکاران^۲ (۲۰۰۸) در پژوهشی در میان دختران بنگلادشی نشان دادند دخترانی که لباسهای سنتی و مذهبی را بر لباسهای غربی ترجیح می‌دهند، کمتر مستعد مشکلات روانی در زندگی آینده هستند و این مسأله، اثرات بلندمدتی بر بهزیستی و شادکامی آنها دارد (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۹۱). شیرازی و میشرای^۳ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای نشان دادند که برای فهم نگاه زنان مسلمان نسبت به حجاب در غرب باید عوامل سیاسی، اجتماعی و تاریخی یک کشور، ماهیت مهاجرت آنها، ترکیب جمعیت‌شناختی گروه آنها و چگونگی تفسیر آنها از دنیوی شدن و شهروندی را بررسی کرد. مصاحبه عمیق با زنان مورد مطالعه نشان داد، درحالی‌که از روسری استفاده می‌کردند هیچ تمایلی برای استفاده از نقاب نداشتند بلکه به‌عکس در محیط آمریکا آن را غیرضروری و نامناسب می‌دانستند (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۹۱). خیدانی^۴ (۱۳۹۴) در پژوهش خود، نشان داد که میان متغیر حجاب و نحوه فرزندپروری، همبستگی معنادار وجود دارد؛ همچنین نشان داد که تجربه گذشته فرد در حجاب وی، نقشی ایفا نمی‌کند. طالبی دلیر و رضوی طوسی^۵ (۱۳۹۲) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که وضع موجود اعتقاد به حجاب و نگرش مثبت به مسئله حجاب در سطح بالا و میزان رضایت از موقعیت فعلی حجاب در سطح نسبتاً متوسط قرار دارد. همچنین افراد جامعه معتقد بودند که میزان اثرگذاری عوامل فرهنگی بیرونی و درونی بر حجاب در سطح متوسط است. صالح آبادی^۶ (۱۳۹۲) در تحقیقی نشان داد که میان مؤلفه‌های اعتماد (میزان اعتماد عمومی و میزان اعتماد به خانواده) از یک‌سو و میزان حجاب از سوی دیگر، رابطه معنادار وجود دارد. افشانی و زارعان^۷ (۱۳۹۳) در مطالعه خود نشان دادند که گاهی طرحها و برنامه‌هایی که افراد نظامی و انتظامی در زمینه حجاب و پوشش اجرا کرده‌اند، بیش از آنکه اقناعی و توجیهی باشد، با زور و اجبار همراه بوده است؛ در واقع، دارندگان زور و قدرت، وارد عرصه فرهنگی شده و صحنه را از حالت فرهنگی، به کارزار عملیاتی و سیاسی تبدیل کرده‌اند. رجالی، مستأجران و لطفی^۸ (۱۳۹۱) در پژوهش خود نشان دادند که ۱۹/۴ درصد از دانشجویان، موافق و ۱ درصد از آنها مخالف حجاب‌اند؛ همچنین ۶۱/۶ درصد از آنان نیز نظر بینابینی دارند. میان متغیرهایی چون ترم تحصیلی و وضعیت سکونت دانشجویان با نگرش آنها نسبت به حجاب رابطه معنادار وجود دارد. رستگار خالد و همکاران^۹ (۱۳۹۱) در پژوهشی نشان دادند که مهم‌ترین سبک کنش اجتماعی مؤثر

1. Mehta

2. Bahui et al.

3. Mishra

در رعایت حجاب، کنش ارزشی دینی است و سبک مؤثر در رد آن، کنش ارزشی سکولار است. استفاده از ماهواره و اینترنت نیز در سبک کنش ارزشی (دینی و سکولار) مؤثرند. اسدزاده، محمدی، جلیلی و شریفی (۱۳۹۱) در پژوهشی نشان دادند که میان معیارهای ارزشی، فردی، اجتماعی و شناختی و تربیت خانوادگی دانشجویان دختر ورزشکار، با حجاب آنها رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. خواجه نوری، روحانی و هاشمی (۱۳۹۱) در پژوهشی، به این نتیجه رسیدند که رابطه معنادار میان هویت مذهبی، سبک زندگی مذهبی با گرایش به حجاب وجود دارد. فضل‌الهی و ملکی توانا (۱۳۹۱) نشان دادند که مهم‌ترین فاکتورهای تأثیرگذار در کم‌توجهی دختران دانشجو به پوشش اسلامی، دوستان و همسالان، ضعف اعتقادات و رسانه‌های خارجی هستند. جهانگیری و شجاعی (۱۳۹۱) در پژوهشی بیان کردند که میان خودپنداره و تصور دانشجویان نسبت به خود و میزان باور به حجاب آنها رابطه معنادار وجود دارد. یک نظرسنجی در تهران درباره پوشش نامناسب برخی از افراد نشان داده که ۲۳ درصد تبعیت از مد روز، ۲۰ درصد زیبا و متنوع بودن لباسهای جدید، ۳۹ درصد جلب توجه و ۱۲ درصد اظهار مخالفت با برخی سیاستهای کشور را دلیل انتخاب پوششهای نامناسب خود دانسته‌اند. نظرسنجی دیگری که در سال ۱۳۸۸ در سطح شهر تهران انجام گرفت، نشان داد که رفتار پوششی در عین حال نشانه‌ای از باورها و اعتقادات شخصی نیز محسوب می‌شود و از این بُعد بیشتر مورد عنایت نظامهای تربیتی و سیاسی قرار می‌گیرد. در نظامهای تربیتی و سیاسی دارای هنجار پوششی، الگوهای خاصی از پوشش به عنوان پوشش هنجار مطرح می‌شود و به شکلهای مختلف از اعمال آنها حمایت به عمل می‌آید و تحقق آن نشانه‌ای از توفیق شمرده می‌شود. اگر شیوه پوشش در میان برخی از گروهها، مغایر با معیارها و هنجارهای رسمی و پذیرفته شده باشد، می‌توان گفت مشکلی اجتماعی ظهور یافته است (نبوی و شهریار، ۱۳۹۱).

آقایانی، طالبیان، حبیبی، دهقانین و انوری (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی دیدگاه جوانان و میانسالان درباره حجاب برتر پرداخته‌اند و یافته‌های پژوهش آنها بیانگر وجود تفاوت معنادار میان دیدگاه جوانان و میانسالان درباره ضرورت رعایت حجاب از سوی بانوان، میزان آشنایی با شرایط پوشش صحیح اسلامی و بهترین نوع پوشش برای بانوان بوده است. شمس (۱۳۸۶) نشان داد که نوع پوشش مادر و خواهران با نوع پوشش دختران همبستگی دارد. همچنین، وی درباره تأثیر محیط اجتماعی بر رفتار پوششی فرد نشان داد که هرچه بر تعداد بوتیکهای موجود در محله و اطراف خانه دختران اضافه می‌شود، از تعداد چادرپها و استفاده‌کنندگان از پوشاک ساده کم می‌شود. رستگار خالده (۱۳۸۷) به انجام پژوهشی با عنوان «جامعه‌شناسی حجاب: مسئولیتها و اختیارات دولت اسلامی» پرداخت و نشان داد که نگرش دختران به حجاب اسلامی به طور کلی مثبت است. زاهد زاهدانی و دشتی (۱۳۸۵) در پژوهش خود با عنوان «گرایش دانشجویان به انواع حجاب» نشان داده‌اند که زمان، عامل مؤثری بر نوع پوشش است. همچنین در محیطهای خصوصی بیشتر از محیطهای رسمی تر کم حجابی وجود دارد. حسن‌پور، دلاویز، یزدی و نجفی (۱۳۸۳) در پژوهشی نشان دادند که آشنا کردن دانش‌آموزان با فلسفه و حدود حجاب و

استفاده از الگوهای مناسب در تبلیغ حجاب برای ترویج فرهنگ عفاف و حجاب ضروری است. فرمانی‌پور و حسین‌خانی (۱۳۸۲) در پژوهشی در زمینه نگرش دانش‌آموزان دختر نسبت به حجاب دریافتند که اعمال تشویق به داشتن حجاب مناسب‌تر از اعمال تهدید و سختگیری است. سادات فخر (۱۳۷۹) تأکید می‌کند که عفاف انگیزه درونی است که در آن انسان به خصوص زن با خویشتنداری، محافظی برای خود ایجاد می‌کند. عظیمیان و بهشتی (۱۳۸۸) در بررسی فلسفه حجاب در اسلام و آثار تربیتی آن، روش‌های درونی کردن حجاب را در ارتقا و تقویت حجاب موثر دانسته‌اند. ماهینی و خسروپناه (۱۳۸۸) در پژوهشی نشان دادند که یکی از ارزش‌های مقدس دین مبین اسلام که در عصرهای مختلف به‌صورت‌های گوناگون مورد تهاجم قرار گرفته و سعی شده تا به‌صورت کمرنگ درآید، مبحث پوشش بانوان مسلمان است. آنان مهم‌ترین علل کم توجهی یا بی‌توجهی به مقوله حجاب را در چهار دسته عوامل فرهنگی و اعتقادی، بیولوژیکی و روانی، اجتماعی و سیاسی بیان کرده و به ارائه راهکارهایی در جهت ترویج پوشش اسلامی پرداخته‌اند. دادگران (۱۳۶۹) در پژوهشی به این نتیجه رسید که دو نگرش درباره لزوم و چگونگی رعایت حجاب وجود دارد. نگرش نخست، از آزادی زنان حتی با حفظ موازین شرعی در انتخاب نوع پوشش خود تا استفاده از رنگ‌های شاد و روسری‌های نقش‌دار طرفداری نمی‌کرد و معتقد بودند استفاده از چادر یا مقنعه در محل کار دست و پاگیر نیست. در مقابل، نگرش دوم بیشتر بر این عقیده بودند که استفاده از لباس‌های تیره، سبب افسردگی فرد می‌شود و رنگ سیاه برای پوشش بانوان مناسب نیست. آنها استفاده از مقنعه را در محل کار بر چادر ترجیح می‌دادند.

مسئله حجاب موضوعی خاص و مربوط به یک جامعه معین یا در یک گوشه از جهان نبوده و نیست، بلکه مسئله‌ای جهانی و آشکار است که با مشخصات متناسب با جوامع مختلف، در سیر تاریخی آنها قرار دارد. مهم‌ترین سبک کنش اجتماعی مؤثر در رعایت حجاب، کنش ارزشی دینی است که در تمام ادیان مطرح است. همچنین عوامل سیاسی، اجتماعی و تاریخی یک کشور بر چگونگی تفسیر این پدیده تأثیر دارد. ترجیح لباس‌های سنتی و مذهبی بر لباس‌های بیگانه بیانگر سلامت روانی است. در تحقیقات بررسی شده معیارهای ارزشی، فردی، اجتماعی و تربیتی، هویت مذهبی، خودپنداره و رسانه‌های خارجی، مکان و زمان، تبعیت از مد روز و متنوع بودن لباس‌های جدید، عوامل مؤثری بر نوع پوشش شناخته شده‌اند.

در نظام‌های تربیتی و سیاسی، الگوهای مناسبی از پوشش به عنوان پوشش هنجار مطرح می‌شوند. انحراف از این الگوها چنانکه در شیوه پوشش بین جوانان و میانسالان و نوع پوشش مادر و دختران مشاهده می‌شود، بیانگر مشکل اجتماعی ظهور یافته است که عوامل فرهنگی و اعتقادی، بیولوژیکی و روانی، اجتماعی و سیاسی در آن موثرند. راهکارهای رفع مشکل حاضر شامل دو بخش بیرونی و درونی است. آشنا کردن دختران با فلسفه و حدود حجاب و استفاده از الگوهای مناسب در تبلیغ آن و اعمال تشویق به داشتن حجاب مناسب‌تر و ایجاد انگیزه درونی برای خویشتنداری و ایجاد محافظی برای خود.

■ گردآوری و تحلیل داده‌ها

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و به شیوه پدیدارشناسی انجام گرفته است. بر این اساس از میان همه دانش‌آموزان دختر پایه سوم متوسطه دوره دوم شهر تبریز در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ ده نفر به صورت هدفمند گزینش شده‌اند، چنانکه در پژوهش کیفی، به طور معمول واحدهای نمونه بر پایه هدفی خاص که مورد توجه پژوهشگر است و بر پایه نیاز پژوهش گزینش می‌شود، تا اطلاعات غنی و عمیق از آنان به دست آید و نمونه‌گیری تا هنگام اشباع داده‌ها ادامه یافت.

هدف در روش تحقیق پدیدارشناسانه، مطالعه این امر است که چطور پدیده انسانی در آگاهی و در شناخت تجربه می‌شود (عابدی، ۱۳۸۹). دلیل گزینش روش پدیدارشناسی این بوده است که بر پایه فرض منطقی، افراد، بهترین مرجع برای توصیف موقعیت، احساس و تجربه با واژگان خودشان هستند. لذا افرادی انتخاب می‌شوند که نسبت به پدیده مورد مطالعه دارای تجربه باشند (بازرگان، ۱۳۹۳). رویکرد پدیدارشناسی خود به دو روش توصیفی و تفسیری تقسیم می‌شود که علی‌رغم شباهت‌های بسیار، این دو روش تفاوت‌هایی دارند که شناخت آنها برای انتخاب بجا و مناسب هر یک از دو روش تحقیق پدیدارشناسی در زمینه‌های مختلف کمک کننده است (امامی سیگارودی، دهقان نیری، رهنورد، نوری سعید، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر نوع توصیفی از این رویکرد مورد توجه است که در این روش هدف اصلی خلق یک توصیف جامع از پدیده تجربه شده برای دستیابی به درک ساختار ذاتی آن است. برای بررسی تجربه دانش‌آموزان از مقوله حجاب، دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه در سال ۹۶-۱۳۹۵ مورد توجه قرار گرفتند که از سه پایه دهم نظام جدید، سوم و پیش دانشگاهی تشکیل می‌شوند. در این پژوهش دانش‌آموزان پایه سوم دبیرستان مورد بررسی قرار گرفتند، زیرا دانش‌آموزان پایه دهم به دلیل تغییر مقطع از دوره اول تا حدی درگیر هماهنگ شدن با دوره دوم اند و آمادگی کافی برای ابراز تجربه خود را ندارند و دانش‌آموزان مقطع پیش دانشگاهی به دلیل درگیری با مسأله کنکور تمایل به همکاری در چنین شرایطی را نداشتند. همچنین مصاحبه‌ها در خارج از محیط مدرسه بود تا جو مدرسه درک آنان را درباره حجاب تحت تأثیر قرار ندهد. برخی از معیارهای انتخاب نمونه پژوهش عبارت‌اند از: نبود هیچ سابقه بی‌انضباطی، شکایت و نارضایتی از طرف معلمان و والدین، حداقل سه سال سکونت در شهر تبریز و حداقل یک دوره تجربه شرکت در کلاسهای آموزشگاههای خارج از مدرسه. دلیل انتخاب این معیارها، مطالعه دانش‌آموزان عادی و بدون مشکل رفتاری با فرهنگی مشترک است تا در خارج از مدرسه هم نحوه پوشش آنها مورد توجه قرار گیرد. در مطالعه حاضر برای واکاوی ادراک دانش‌آموزان از مفهوم حجاب و به منظور تحقق‌پذیری اهداف پژوهش، سیزده مصاحبه نیمه ساختار یافته با ده نفر از دانش‌آموزان صورت گرفت. هدف از چنین مصاحبه‌ای، گردآوری خاطرات، تجارب و روایت‌های دانش‌آموزان در مورد حدود حجاب بود. سؤالات به نحوی طراحی و مطرح شدند که نظرات، ادراکات و برداشت‌های مصاحبه‌شونده در مورد موضوع دریافت شود. طی مصاحبه، دانش‌آموزان به بیان تجربه‌های

خود از حجاب پرداختند. مصاحبه‌ها در زمانهای بیست تا سی دقیقه ای انجام گرفتند و تا زمان اشباع داده‌ها ادامه یافتند، یعنی تا زمانی که با افزایش تعداد مصاحبه‌ها نظر جدیدی از افراد، یافت نشد و مضامین استخراج شده از سایر مصاحبه‌شوندگان همانند مضامین قبلی تکرار شد. یک مصاحبه گروهی به شکل یک گروه سه نفری و مصاحبه فردی، یازده مورد حضوری و یک مورد برخط (آنلاین) انجام شد. مصاحبه فردی با سه نفر از مصاحبه‌شوندگان برای دریافت اطلاعات تکمیلی دوباره انجام شد و مجموع مصاحبه‌ها شامل یک مصاحبه گروهی و ۱۲ مصاحبه فردی بود و تعداد نفرات مصاحبه‌شونده ده نفر بود. برای پیشگیری از اتلاف وقت مشارکت‌کنندگان هماهنگی لازم انجام گرفت و با اجازه مشارکت‌کنندگان مصاحبه‌ها ضبط شد و شرکت‌کنندگان از انصراف در هر زمان از پژوهش آزاد بودند. حفظ سکوت و آرامش در مکان مصاحبه، محرمانه بودن مشخصات و پاک شدن فایل مصاحبه‌ها و در صورت تمایل، اطلاع رسانی از نتایج کلی پژوهش به شرکت‌کنندگان از دیگر نکات اخلاقی بود که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت. نمونه‌ای از سؤالات مصاحبه عبارت‌اند از:

- آیا کسی را دیده‌ای که به خاطر ضعف حجاب مورد بی‌احترامی قرار گیرد؟ نظر خودت چیه؟
- آیا از دوستان در مورد چنین صحنه‌هایی شنیده‌ای؟ واکنش اونا چی بوده؟
- آیا در برنامه‌های تلویزیونی یا سریالها در این مورد چیزی به خاطر داری؟
- آیا دوستانی دارید که در حجاب متفاوت‌اند، آیا حجاب در رفتارشان فرق داره؟ در موردش بیشتر صحبت کنید؟
- اگه در مدرسه به حجاب بی‌توجه باشند، آیا به نحوه پوشش خود ادامه میدید؟
- در پژوهش حاضر چون تبیین تجارب افراد از پدیده حجاب به شکل توصیفی مورد توجه پژوهشگر بود، بنابراین از روش کلایزی برای تحلیل آن استفاده شد که مراحل آن عبارت‌اند از:
- جهت هم‌احساس شدن با شرکت‌کننده همه مطالب هر مصاحبه به دقت خوانده می‌شود.
- عبارات مهم به همان صورت (زبان شرکت‌کننده) استخراج می‌شود.
- معنای هر عبارت مهم استخراج می‌شود.
- کدهای مشابه به صورت دسته‌هایی سازماندهی شده و یک توصیف عبارتی مختصر برای هر دسته انتخاب می‌شود.
- دسته‌هایی که از نظر معنایی در یک طبقه قرار می‌گیرند باهم ادغام می‌شوند.
- طبقات مشابه که دربرگیرنده یک مفهوم اصلی یا محوری پژوهش باشد، باهم ادغام می‌شوند.
- در مرحله آخر از شرکت‌کنندگان سؤال می‌شود که آیا یافته‌های به دست آمده انعکاسی از تجربیات آنهاست یا نه (اعتباربخشی مفاهیم)؟ به این ترتیب یافته‌های اصلی پژوهش حاضر، تأیید و تفسیر می‌شود. براساس مراحل تحلیل کلایزی در این پژوهش به صورت زیر عمل شده است:

● ابتدا تمام متن مصاحبه روی کاغذ پیاده شده و چند بار خوانده شد و عبارات مهم به همان صورت (زبان شرکت کننده) استخراج شده و معنای هر عبارت مهم به دست آمده است. مفاهیم مشترک در یک دسته بندی قرار گرفته اند و پس از بررسی دسته ها برای هر کدام از آنها عناوین اولیه تعیین شده و از ترکیب آن عناوین، عبارات مهم به دست آمده است که براساس مثالی بیان می شوند:

عبارت مهم در مصاحبه نفر دوم: حجاب همون مدل های جدید ساده با آرایش کم است که زننده نباشه. عبارت مهم در مصاحبه نفر سوم: چادر روزآمد، آرایش معمولی و شال و روسری مدل جدید. عبارت مهم در مصاحبه نفر چهارم: بعضیها مثل فرشته اند و لباس زیبا می پوشند و برخی شبیه دلکها لباس می پوشن. من دختری با ظاهر پریشان دیدم خفه می شدم. عبارت مهم در مصاحبه نفر پنجم: حداقل پوشش شرعی را حجاب میدونم. عبارت مهم در مصاحبه نفر ششم: چه الان و چه در هر زمان دیگه ای من همینی ام که هستم. عبارت مهم در مصاحبه نفر ششم: مثل دختران بدپوش بیرون نمیرم ولی تحمل حجاب شدید را ندارم. در حد متوسط خودمو می پوشونم. عبارت مهم در مصاحبه نفر نهم: وقتی حجاب می گید اغلب فکر می کنیم یعنی چادر. عبارت مهم در مصاحبه نفر دهم ما معلمهایی داریم که اخلاق خیلی بدی دارند ولی خیلی محببه اند.

● معنای استخراج شده از عبارات بالا وجود برداشتهای متفاوت از حدود حجاب است.

● با ادغام دسته مدنظر، مضمون به دست آمده و دسته ها از نظر معنایی در یک طبقه قرار گرفتند و باهم ادغام شدند. حدود حجاب فقط در پوشش خلاصه نمی شود، عفاف و حجاب در نگاه و رفتار و پوشش مطرح است. این طبقات مشابه دربرگیرنده یک مفهوم اصلی یا محوری پژوهش است.

● در مرحله آخر از شرکت کنندگان سؤال شد که آیا یافته به دست آمده انعکاسی از تجربیات آنهاست یا نه (اعتباربخشی مفاهیم)؟ به این ترتیب یافته های اصلی پژوهش حاضر، تأیید و تفسیر شدند.

■ یافته ها

پس از پیاده کردن متن ۱۳ مصاحبه با دانش آموزان روی کاغذ و خواندن مکرر آنها، از تجارب زیسته حجاب در میان دانش آموزان دبیرستانی، هفت زیر مضمون استخراج شد: این زیر مضمونها در دسته بندی موضوعهای اصلی قرار گرفتند و از آنها یک مضمون اصلی به دست آمد.

مضمون اصلی: حدود حجاب فقط در پوشش خلاصه نمی شود، عفاف و حجاب در نگاه و رفتار و پوشش مطرح است.

● وجود برداشتهای متفاوت از حدود حجاب

افراد مورد مصاحبه با پوششهای گوناگون معتقد بودند که با حجاب هستند.

نمونه پاسخها: حجاب همون مدل‌های جدید ساده با آرایش کمه که زنده نباشه؛ بعضیها مثل فرشته‌اند و لباس زیبا می‌پوشند و برخی شبیه دلکها لباس می‌پوشن؛ من دختری با ظاهر پریشان دیدم خفه می‌شدم؛ مثل دختران بدپوش بیرون نمیرم ولی تحمل حجاب شدید را ندارم؛ ما معلمهایی داریم که اخلاق خیلی بدی دارند ولی خیلی محببه‌اند.

● تأثیر تجربه گذشته فرد در حدود حجاب

نحوه برخورد دیگران و پاداش و تنبیه‌هایی که افراد تجربه کرده‌اند در نوع پوشش و رفتار وی تأثیر می‌گذارد.

نمونه پاسخها: من با لباس مناسب دوچرخه سواری می‌کنم کسی اذیتم نمی‌کند. من خودم محببه هستم خونواده ام اینطوری دوست دارن؛ من عادت کردم با حجاب باشم نمی‌توانم جور دیگه ای باشم؛ در ائل گلی به دختری که با لباس نامناسب موتور سواری می‌کرد مزاحمها گیر می‌دادند.

● وابستگی حدود حجاب به محیط

حجاب چادر که در مدرسه یا بعضی محیطها اجباری است شاید در بیرون از آن محیط برای همه خوشایند نباشد. اگر در ساعات تعطیلی مدارس به دانش‌آموزان دختر و پسر مخصوصاً دبیرستان با دقت نگاه کنیم دانش‌آموزان را با لباسهای متفاوت و رنگها و مدل‌های گوناگون می‌توان مشاهده کرد و این نوع نگرش و گرایش دانش‌آموزان به مسأله پوشش را بیان می‌کند.

نمونه پاسخها: در مدرسه ما چادر اجباریه و از در مدرسه که بیرون می‌ریم چادر را می‌ذاریم تو کیفمون.

بعضی از بچه‌ها ترجیح میدند مانتویی باشند. وقتی از مدرسه جای دیگه ای می‌رفتم و چادر را بر می‌داشتم احساس بدی داشتم. حالا از اون مدرسه بیرون اومدم نرمال شدم؛ من دوست ندارم انگشت‌نما باشم، در هر جایی مثل همه لباس می‌پوشم.

● حدود حجاب تابعی از زمان

استفاده برخی افراد از حجاب چادر در مجالس ختم و دعا و اختصاص پوشش چادر به مکانهایی مانند قبرستان از نظر روانشناسی زمینه ذهنی بدی را برای مخاطبان ایجاد می‌کند.

نمونه پاسخها: در رمضان و محرم بیشتر رعایت می‌کنم، چون وقتی روزه ام ارزشش را نگه می‌دارم.

وقتی عزاداری می‌رم رعایت می‌کنم.

● تأثیر دنیای مجازی بر کم رنگ شدن حجاب

دنیای مجازی مفهوم حجاب را از بین برده است و خیلی از حد و حدودها را کم‌رنگ کرده است.

نمونه پاسخها: در تلگرام اکثر همکلاسیهام عکس سرلخت دارن؛ من عکس نیمرخم را گذاشتم ولی سرلخت نیست؛ عروس همسایه ما با اینکه خانواده متعصبی دارن ولی عکسهای زننده در پروفایلش می ذاره.

● ضعف اعتقادی عامل نگاه مقطعی به حجاب

به دلیل درونی نشدن مفهوم حجاب در بعضی از افراد و توجه به جنبه رسمی و سیاسی، جنبه اعتقادی آن کمرنگ شده و موجب مقطعی رفتار کردن افراد می شود.

نمونه پاسخها: بعضیها در محله حجاب دارند در جای دیگه بی حجابند؛ من کسی را می شناسم که با حجاب هست ولی ارتباط نادرست هم داره.

بحث و نتیجه گیری

یافته های این پژوهش بازنمایی تجارب زیسته دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهر تبریز درباره حدود حجاب است. با بررسی فهم دانش آموزان از حدود حجاب می توان قضاوت های پوشیده آنها را رصد کرد و با شناخت افکارشان، علت رفتارهای احتمالی آنها را درک کرد.

همچنانکه روشن شد، برداشتهایی متفاوت از حدود حجاب در میان دانش آموزان وجود دارد و آن را دارای ابعاد مختلف می دانند. در فهم دانش آموزان حدود حجاب فقط در پوشش خلاصه نمی شود؛ عفاف و حجاب در نگاه، گفتار و رفتار نیز مطرح است. همچنین نتایج نشان می دهد که تجربه های گذشته سبب تعیین شاخصهایی از حدود حجاب در فهم افراد می شود، یعنی نحوه برخورد دیگران و پاداش و تنبیه هایی که افراد تجربه کرده اند در نوع پوشش وی تاثیر می گذارد.

از مصاحبه ها چنین به دست آمد که حدود حجاب تابعی از محیط و زمان است، چرا که در تجربه دانش آموزان محیط های متفاوت مانند مدرسه یا مراسم عزاداری... و همچنین زمانهای مختلف مثل محرم و رمضان... در تعیین نوع پوشش آنها تاثیر دارد؛ تاجایی که دنیای مجازی مفهوم حجاب و حدود آن را تغییر داده است. همچنین درونی نشدن مفهوم حجاب در بعضی از افراد، موجب مقطعی رفتار کردن افراد می شود.

نتایج این پژوهش با نتایج پژوهشهای مهتا (۲۰۱۰)، بهویی و همکاران (۲۰۰۸)، شیرازی و میشرا (۲۰۱۰)، طالبی دلیر و رضوی طوسی (۱۳۹۲)، رجالی و همکاران (۱۳۹۱)، رستگار خالد، محمدی و نقی پور (۱۳۹۱)، فضل الهی و ملکی توانا (۱۳۹۱)، زاهد زاهدانی و دشتی (۱۳۸۵) و فرمانی پور و حسین خانی (۱۳۸۲) همسوست. در همه آنها حجاب به مثابه رسانه ای ارتباطی، تحت تأثیر ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و ویژگیهای فردی است که معنای ذهنی و ارزشی دارد. تغییر نسل می تواند موجب تغییراتی در میزان نگرش افراد به مقوله حجاب شود. در این راستا، خانواده، شبکه های ارتباطی، محیطها و زمانهای مختلف، در تغییر نگرشها نقش محوری دارند. همچنین پژوهش حاضر با نتایج پژوهش خیدانی (۱۳۹۴) مبنی بر اینکه میان متغیر حجاب و

نحوه‌ فرزندپروری، همبستگی بسیار ناچیزی وجود دارد و تجربه‌ گذشته‌ فرد در حجاب وی، نقشی ایفا نمی‌کند ناهم‌سوست. به نظر می‌رسد دلیل ناهم‌سو بودن این نتیجه با نتیجه پژوهش خیدانی عدم توجه پژوهش وی به ادراکات واقعی و تجارب زیسته و مطالعه کمی موضوع بوده است. دریافت فهم دانش‌آموزان در مورد حدود حجاب بیانگر تغییر نگرش نسل جدید است. توجه به فهم دانش‌آموزان و دریافت نگرش و گرایش آنها نسبت به حدود حجاب کمک شایانی در دستیابی به برنامه‌ریزی جامع در مورد این پدیده خواهد کرد.

● پیشنهادهای کاربردی

با توجه به ماهیت چندوجهی و فرایندی بودن حجاب، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند که رویکردهای حل مسأله باید بر پایه‌ نگاه جامع و نظام‌مند و با توجه به ماهیت شناختی عمیق باشد. عوامل موثر بیرونی و درونی در تعیین حدود حجاب، عقیده و مرام را با دو خصیصه‌ شناخت و انتخاب رویه‌رو می‌سازد و براساس آن تمام رفتارهای فرد را شکل می‌دهد. هر قدر شناخت و اختیار انسان عمیق‌تر شود، عقیده و مرام او نیز پایدارتر است. با توجه به اهمیت دینی، هویتی و سیاسی که حجاب در جامعه ما دارد، درونی کردن باور، ارزش و هنجارهای حجاب بهترین راهکار به نظر می‌رسد. لازم است با هدف تقویت مبانی اعتقادی، ساختارهای فرا شخصی چون هویت قومی و محلی از همان دوران کودکی تقویت شود. وقتی که افراد از سیاستهای انتخاب شده، برداشت خوشایندی داشته باشند، در موضع دفاع از هویت محلی و قومی خودشان بر می‌آیند. چنانچه تعلق ذهنی فرد به خرده فرهنگی با رضایتمندی همراه باشد و فرد از این رهگذر به پادشاهای روانی خوشایند و ارضاکنده ای دست یابد، رفته رفته از اقتضاهای این فرهنگ غالب حمایت خواهد کرد.

بنابراین، براساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود:

- با تقویت عوامل فرهنگی درونی تاثیرگذار بر حجاب و نظام آموزشی مطلوب، ارزشها و هنجارهای پوشش مناسب در جامعه ترویج یابد و از عوامل کنترل غیررسمی به جای عوامل کنترل رسمی بهره گیرند، به طوری که حجاب در میان افراد جامعه درونی شود و به بازاندیشی در روش سبک زندگی مبتنی بر خلق هویت منجر شود.
- افزایش اطلاعات از نحوه فهم دانش‌آموزان نسبت به حجاب از طریق تغییر در شیوه‌های مواجهه با آنان، اثر افزایشی در اصلاح رفتار آنها خواهد داشت.
- فراهم کردن فرصت برای تجارب خوشایند از حجاب مانند برگزاری اردوهای گروهی در مراکز مذهبی و برگزاری مراسم مذهبی و اعیاد روحیه بخش.
- فراهم کردن عرصه‌های مناسب برای ابراز زیباییها و شایستگیهای ظاهری در دختران در فضاهای دوستانه از طریق فرهنگ‌سازی. گسترش حضور در مراکز اختصاصی تفریحی و فضا سازی برای برخورداری آنان از آزادی عمل در رعایت حجاب، می‌تواند یکی از عوامل موثر در انتخاب نوع حجاب باشد و از اولویت بالایی برخوردار است.

- قرآن کریم. (۱۳۹۴). ترجمه محمد مهدی فولادوند، چاپ سوم. تهران: اسوه.
- نهج البلاغه. (۱۳۷۹). نامه ۳۱، ترجمه دشتی. قم: آل علی (ع)، چاپ اول.
- آقایانی چاوشی، اکبر؛ طالبیان، داوود؛ حبیبی، مهدی؛ دهاقین، وحیده و انوری، سمیه السادات. (۱۳۸۹). دیدگاه جوانان و میانسالان در مورد حجاب برتر. *مجله علوم رفتاری*، ۴(۱)، ۷۷-۸۱.
- احمدی، یعقوب. (۱۳۸۸). وضعیت دینداری و نگرش به آینده دین در میان نسل‌ها مطالعه موردی شهر سنج. *فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی*، ۱(۱)، ۱۷-۴۴.
- اسدزاده، فرشته؛ محمدی، یحیی؛ جلیلی، معصومه سادات و شریفی، مژگان. (۱۳۹۱). بررسی معیارهای حجاب (در سه بعد ارزشی، فردی، اجتماعی) در بین دانشجویان المپیاد ورزشی دختر دانشگاه پیام نور کل کشور. همایش ملی عفاف، حجاب امنیت فردی و اجتماعی، فرماندهی انتظامی استان خراسان شمالی، دفتر تحقیقات کاربردی.
- افشانی، سیدعلیرضا و زارعان، احمد. (۱۳۹۳). نقش رسانه‌ها در گسترش و تعمیق فرهنگ عفاف و حجاب و تأثیر آن بر امنیت فردی و اجتماعی. *فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی*، ۱(۳)، ۴۱-۶۲.
- امامی سیگارودی، عبدالحسین؛ دهقان نیری، ناهید؛ رهنورد، زهرا و نوری سعید، علی. (۱۳۹۱). روش‌شناسی تحقیق کیفی: پدیدارشناسی. *پرستاری و مامایی جامع‌نگر*، ۲۲(۲)، ۵۶-۶۳.
- بازرگان، عباس. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری. تهران: نشر دیدار.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). زن در آئینه جلال و جمال. قم: اسراء، چ ۲۰.
- جهانگیری، علی و شجاعی، مریم. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین میزان باور به حجاب و خودپنداره در میان دانشجویان علمی کاربردی شهرستان بجنورد. همایش ملی عفاف، حجاب امنیت فردی و اجتماعی، فرماندهی انتظامی استان خراسان شمالی، دفتر تحقیقات کاربردی.
- حداد عادل، غلامعلی. (۱۳۸۶). فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی. تهران: سروش.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۵۴). ق. وسائل الشیعه. ج ۵۴. تهران: مکتبه الاسلامیه.
- حسن‌پور، جعفر؛ دلاویز، خلیل؛ یزدی، صمد و نجفی، حبیب‌اله. (۱۳۸۳). بررسی نگرشی دانش‌آموزان دختر مقطع راهنمایی استان مازندران نسبت به حجاب. *اداره کل آموزش و پرورش استان مازندران*، نمایه شده در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران.
- خواجانه‌نوری، بیژن؛ روحانی، علی و هاشمی، سمیه. (۱۳۹۱). گرایش به حجاب و سبک‌های متفاوت زندگی (مطالعه موردی: زنان شهر شیراز). *جامعه‌شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)*، ۲۳(۳)، ۱۴۱-۱۶۶.
- خیدانی، لیلی. (۱۳۹۴). بررسی فرهنگ حجاب و عفاف و نگرش به آن در بین دانشجویان دختر دانشگاه‌های استان ایلام. *پژوهشنامه زنان*، ۶(۲)، ۵۱-۷۳.
- دادگران، محمد. (۱۳۶۹). پژوهشی پیرامون حقوق، نقش اجتماعی و پوشش بانوان و کنکاشی در زمینه شناخت الگوی اسلام برای زن امروز. تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات برنامه ای صدا و سیما.
- رجالی، مه‌ری؛ مستأجران، مهناز و لطفی، مهران. (۱۳۹۱). نگرش دانشجویان دختر دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان نسبت به حجاب و پوشش زنان و برخی عوامل مؤثر بر آن. *مجله تحقیقات نظام سلامت*، ۸(۳)، ۴۲۴-۴۳۰.
- رستگار خالد، امیر. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی حجاب: مسئولیتها و اختیارات دولت اسلامی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. چاپ اول.
- رستگار خالد، امیر؛ محمدی، میثم و نقی‌پور، سحر. (۱۳۹۱). کنشهای اجتماعی زنان و دختران نسبت به حجاب و رابطه آن با مصرف اینترنت و ماهواره. *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، ۴(۵۶)، ۷-۸۲.

زاهد زاهدانی، سعید و دشتی، عبدالله. (۱۳۸۵). گرایش دانشجویان به انواع حجاب. *نشریه مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۱(۱)، ۱۰۱-۱۲۴.

سادات‌فخر، سیدعلی. (۱۳۷۹). حجاب، ارزش یا روش؟ *مجله نقد کتاب*، شماره ۱۷، ۲۶۰-۲۷۱.
سلاجقه، آزیتا و موسی‌پور، نعمت‌الله. (۱۳۹۰). بررسی مقایسه‌ای الگوی پوشش دانشجویان دانشگاه‌های دولتی، پیام نور و آزاد اسلامی مطالعه موردی شهر بافت. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۴(۳)، ۱۵۳-۱۷۶.
شارع‌پور، محمود؛ تقوی، سیده زینب و محمدی، مهدی. (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب (مطالعه موردی: گرایش به حجاب در بین دانشجویان دختر دانشگاه مازندران). *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۵(۳)، ۱-۲۹.

شمس، ابراهیم. (۱۳۸۶). *ارزیابی عملکرد دستگاه‌های ذیربط در ارتباط با گسترش حجاب*. هم‌اندیشی حجاب: مسئولیتها و اختیارات دولت اسلامی. قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

صالح آبادی، ابراهیم. (۱۳۹۲). بررسی جامعه‌شناختی حجاب زنان در شهر اسفراین اعتماد و حجاب. *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، ۴(۱۲)، ۱۱۳-۱۳۶.

طالبی دلیر، معصومه و رضوی طوسی، سیدمجتبی. (۱۳۹۲). اعتقاد به حجاب و نگرش‌های مربوط به آن. *فصلنامه زنان و خانواده*، ۷(۲۳)، ۷۱-۱۰۶.

عابدی، حیدر علی. (۱۳۸۹). کاربرد روش تحقیق پدیده شناسی در علوم بالینی. *نشریه راهبرد*، ۱۹(۵۴)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، ۲۰۷-۲۲۴.

عظیمیان، مریم و بهشتی، سعید. (۱۳۸۸). بررسی فلسفه و قلمروی حجاب در اسلام و آثار تربیتی آن. *دوفصلنامه تربیت اسلامی*، ۴(۸)، ۷۵-۱۰۳.

فاضلیان، پوراندخت. (۱۳۸۹). *بررسی رابطه حجاب و میزان امنیت اجتماعی در بین زنان شهر تهران*. پژوهش‌نامه زنان، ۱(۲)، ۶۵-۸۶.

فرمانی‌پور، معصومه و حسین‌خانی، سکینه. (۱۳۸۲). بررسی نگرش دانش‌آموزان دختر مدارس راهنمایی یزد نسبت به حجاب. اداره کل آموزش و پرورش استان یزد.

فضل‌الهی قمشی، سیفاله. (۱۳۹۱). بررسی و اولویت بندی علل کم توجهی به پوشش اسلامی و راهکارهای ترویج آن در بین دانشجویان دختر دانشگاهها. *فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۲(۳)، ۳۳۳-۳۴۲.

فضل‌الهی، سیفاله و ملکی‌توانا، منصوره. (۱۳۹۱). فرهنگ عفاف و راهکارهای ترویج آن در سبک زندگی اسلامی. اولین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم.

کربلایی بازوکی، علی و خوانین‌زاده، محمدحسین. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی مسأله عفاف و حجاب در بین دانشجویان دختر کارشناسی دانشگاه علامه طباطبائی. *مجله علمی-پژوهشی فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۵(۱۸)، ۱۷۱-۱۹۳.

کریمی، یوسف. (۱۳۷۲). *روانشناسی اجتماعی*. تهران: نی.

ماهینی، انسیه و خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۸۸). راهکارهای ترویج پوشش اسلامی در بین دختران دانشجو. *فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی*، ۱۳(۳)، ۵۳-۸۱.

محبوبی منش، حسین. (۱۳۸۶). تحلیل اجتماعی مسأله حجاب. *نشریه مطالعات راهبردی زنان*، ۱۰(۳۸)، ۸۸-۱۳۴.

محسنیان‌راد، مهدی. (۱۳۸۵). *ارتباط‌شناسی*. تهران: سروش.

محمدی، اصغر و قدسی، میثم. (۱۳۹۵). بررسی نگرش به حجاب در بین زنان ۱۵ سال به بالای شهر ایلام و رابطه آن با متغیرهای دموگرافیک در سال ۱۳۹۵. *فصلنامه علمی - ترویجی فرهنگ ایلام*، ۱۶(۵۰ و ۵۱)، ۳۷-۶۲.

معین، محمد. (۱۳۴۲). *فرهنگ فارسی*. ج ۱. تهران: امیرکبیر.

مهدی‌زاده، حسین. (۱۳۸۷). *حجاب‌شناسی؛ چالش‌ها و کاوشهای جدید*. قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

نبوی، سید عبدالحسین و شهریاری، مرضیه. (۱۳۹۱). بررسی علل ضعف پوشش در بین دانشجویان دختر و راهکارهای بهینه‌سازی آن در سطح نظر و عمل. *دوماهنامه مهندسی فرهنگی*، ۷(۶۹ و ۷۰)، ۶۳-۸۵.